

۸۰۰ سال از خردسالی تا سالمندی

نگاهی به «نصاب الصبیان». کهن‌ترین کتاب آموزشی منظوم برای کودکان

O سید علی محمد رفیعی

مقدمه

حدود ۸۰۰ سال است که کتابی با نام «نصاب الصبیان»، درس آموز نسل‌های بسیار از پارسی‌زبانان است و هنوز هم کارایی خود را حفظ کرده است. نسل‌های بعدی نیز به تناسب نیاز، بخش‌ها یا بندهایی به آن افزوده یا پانوشت‌ها و شرح‌هایی بر آن نگاشته و به نسل‌های پس از خود سپرده‌اند. این کتاب، اثری است منظوم که در اصل، برای این پدید آمده است که به کودکان، برخی لغات عربی و اطلاعاتی دیگر بیاموزد، اما در واقع به متنی تبدیل شده که از کودک تا کهنسال را به کار می‌آید و افزوده‌های سده‌ها نیز به آن، کارکردهای دیگری بخشیده است. این نوشتار، معرفی نصاب الصبیان و افزوده‌هایش، در کنار آشنایی کوتاهی با مؤلف آن است.

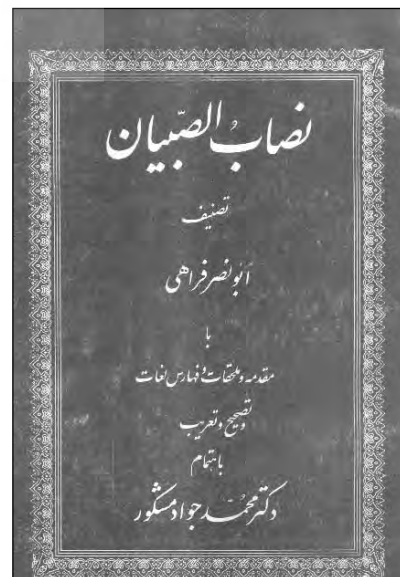
۱. مؤلف

مؤلف نصاب الصبیان را ابونصر بدرالدین مسعود/ محمد/ محمود بن ابوبکر بن حسین بن جعفر فراهی سجزی (سجزی = سجستانی = سیستانی) نوشته‌اند که جز اختلاف در نام او، وی را گاه با امام شرف‌الدین محمد بن فراهی که هر دو معاصر و از اهالی یک شهر و همعصر یمین‌الدین بهرامشاه بن تاج‌الدین حرب امیر سیستان، در اوایل قرن هفتم هجری‌اند، اشتباه گرفته‌اند. در هر حال، مؤلف نصاب الصبیان، به

«ابونصر فراهی» شهرت دارد.

نام «فراه» را در اخبار مربوط به افغانستان بسیار شنیده‌ایم. فراه، امروزه نام ایالتی است در جنوب غربی کشور افغانستان که مرکز آن شهر معروف فراه است. پیش از این نیز «فره» یا «فراه»، از شهرهای سیستان و بخشی از خاک ایران بود. این شهر در چهارراه جاده هرات، قندهار و سیستان قرار دارد و طول و عرض جغرافیایی و جایگاه آن را در نقشه می‌توان دید. فراه در حمله مغول ویران گشت و سپس از نو بازسازی شد و از اواخر قرن هفتم هجری قمری، آبادی پیشین خود را باز یافت. در زمان نادرشاه نیز یک بار به دست لشکریان قزلباش به تاراج رفت.

این شهر به سبب عبور رودی که فره نام دارد و برای این که در منطقه‌ای گرم واقع است، جایی است سرسبز و پوشیده از درخت‌های خرما و میوه‌های بسیار و باغستان‌ها و مزارع باصفا. اهالی فراه، از اهل سنت و خوارج بوده‌اند و مؤلف نصاب الصبیان نیز خود از اهل سنت بوده است. از زندگی ابو نصر فراهی و تولد و وفات او، اطلاعاتی چندان در دست نیست. گویند کور مادرزاد بوده، در لغت عرب و حدیث مهارت تمام داشته، در زمان حمله مغول به ایران می‌زیسته و تا ۶۴۰ ه. ق زندگی می‌کرده است. نیز گویند که قبر او در قریه رج، از نواحی فراه است.



۲. آثار ابونصر فراهی

مشهورترین اثر ابونصر فراهی، نصاب الصبیان است. او اثری دیگر نیز دارد و آن به نظم آوردن کتاب مشهور «الجامع الصغیر فی الفروع»، از نگارش‌های فقهی مورد توجه اهل سنت، نوشته محمدبن حسن شیبانی، از شاگردان ابوحنیفه است. این کتاب، حاوی ۱۵۳۲ مسئله فقهی است و پس از تألیف، مورد توجه فقهای اسلام، به ویژه فقیهان اهل سنت واقع شده است.

ابونصر فراهی، به نظم در آوردن الجامع الصغیر را در جمادی الاخر سال ۶۱۷ هجری به پایان رساند و آن را «لمعة البدر» نام نهاد. علت به نظم آوردن این کتاب، یکی شهرت آن و دیگر آسان‌سازی فراگیری آن بوده است.

پس از آن، علاءالدین محمدبن عبدالرحمن خجندی، «لمعة البدر» را شرح کرد و آن را «ضوء الملمعة» نام نهاد.

۳. چرا «نصاب الصبیان»؟

«نصاب الصبیان» که اختصاراً «نصاب» نیز خوانده می‌شود و نام مؤلف برای آن «نصاب صبیان» بوده، به معنی «نصاب کودکان» است. واژه «نصاب»، به معنی «اصل و مرجع»، «آغاز هر چیزی»، «حد معین از هر چیزی» یا «نخستین و کم‌ترین میزان و مقدار تعیین شده» است. «نصاب» اصطلاحی است که در فقه، به ویژه در سنجش زکات، کاربرد بسیار دارد. اگر دارایی‌های یک فرد به حد نصاب برسد، از او به مقدار معینی زکات (مالیات) می‌گیرند. این حد نصاب، برای اموال مختلف، متفاوت است. در این میان، نصاب سکه نقره دوپست (۲۰۰) درهم (سکه نقره) است. یعنی اگر دارایی نقره شخص به ۲۰۰ سکه (با وزنی معین) برسد، به او زکات (مالیات) تعلق می‌گیرد.

«نصاب صبیان» در اصل، ۲۰۰ بیت بوده است و پدیدآورنده آن، تصریح می‌کند که از این رو آن را نصاب صبیان نام نهاده است که ۲۰۰ بیت دارد و با این ۲۰۰ بیت، کودکان به حد نصاب آموزش واژه‌های عربی می‌رسند.

شادروان دکتر محمدجواد مشکور، در مقدمه‌ای که بر نصاب الصبیان خویش، براساس چاپ برلین - آورده، نوشته است: «نصاب نقره یعنی حدی که زکات بر آن تعلق گیرد و صاحب آن، غنی شمرده شود - دوپست درهم است. از این رو، ابونصر فراهی کتاب خود را نصاب الصبیان نام نهاده و غنی شدن کودکان را در لغت عرب، پس از به خاطر سپردن آن ابیات، در آن معنی استعاره آورده است. ابونصر فراهی، ابیات خود را تلویحاً در صفا و جلا به نقره تشبیه و هر بیت را به



یک درهم نقره تمثیل نموده و گویا در نظر داشته که هر کودکی این دوپست بیت را فراگیرد، به منزله آن است که معلومات او به حد نصاب و اندازة کمال رسیده و باید که زکات آن مقدار از معلومات را به فقرای علم و ادب نثار نماید.»

و افزوده است: «اینک می‌توانیم بگوییم که تسمیه این کتاب به نصاب الصبیان، محض تواضع و تجنّب [= کناره‌گیری] از خودنمایی است؛ والا در حقیقت، آن را نصاب الرجال باید خواند؛ چه، فهمیدن مطالب و محتویات آن از جمله کمالات عالییه می‌باشد.» (مقدمه نصاب الصبیان، به تصحیح و تعریب دکتر محمدجواد مشکور، ص ۳، به نقل از ریحانة الادب، ج ۳، ص ۲۰۳)

در این نوشتار، هر جا سخن از نسخه اصلی باشد، عنوان «نصاب صبیان» و هر جا سخن از

نسخه اصلی آمیخته با تغییرات و اضافات سده‌های بعد باشد، عنوان «نصاب الصبیان» را به کار خواهیم برد.

۴. مقدمه نصاب و هنرنمایی مؤلف

مقدمه نصاب صبیان نیز هم‌چون دیگر بخش‌های این کتاب و هر کتاب پر مراجعه در طول اعصار و قرون، تحریف شده و کاستی‌ها، افزوده‌ها و تغییرهایی در آن صورت پذیرفته است. یکی از این تغییرها، افزودن صلوات و سلام بر مقدمه کتاب، به سبک شیعه است که در نسخه‌های کهن نیست. دلیل این امر نیز طبیعی است: از آن رو که در عصر حکومت‌های متعصب شیعی، مطالعه این اثر، به جرم مذهب تسنن مؤلف آن ممنوع نشود. پیش از این نیز گفتیم که در شهر فراه، آن هم پیش از حمله مغول، پیروان مذاهب تسنن و خوارج می‌زیستند

و ابونصر فراهی نیز به این قرینه و به قرینه به نظم در آوردن کتابی فقهی از اهل سنت، شیعی نبوده است. حتی اگر شیعی بودن او را به فرض محال بپذیریم، چنین امکانی برای او نبوده است که به صراحت تمام، خطبه آغازین کتاب را با صلوٰه و سلام بر محمد و آل محمد و پسر عمومی وی که وصی او و حامل لوای اوست، آغاز کند. باری مقدمه کوتاه نصاب صبیان که چیزی در حدود همین است که خواهیم آورد، حاوی برخی بازی‌های واژگانی و هنرنمایی‌های ادبی و فلسفه تالیف و نامگذاری کتاب است. بازخوانی این مقدمه، با ذکر ترجمه برخی بخش‌های آن در داخل قلاب، اطلاعاتی بسیار از کتاب و انگیزه آن و سطح دانش و ذوق ادبی مؤلف آن در اختیار ما خواهد نهاد:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«همی گوید ابونصر فراهی حُسدَ حافِدهُ و حُفْدَ حاسِدهُ ما حَرَكْتَ الشِّمَالِ النِّخْلَ الدَّقِيقَ و تَحَرَّكَتِ الشِّمَالُ لِنِخْلِ الدَّقِيقِ [ترجمه: می‌گوید ابونصر فراهی - که بستگانش (در ارجمندی) محسود و مورد رشک دیگران شوند و حسود او به بندگی و خدمت سر فرود آرد (و چنین باشد) تا آن گاه که باد شمال درخت باریک خرما را می‌چیناند و دست چپ برای بیختن آرد می‌چنبد] که چون صبیان را پیش از تعلم لغت عرب رغبت می‌افتد به اشعار فارسی - چه، خوش آمدن شعر، مر طبع‌های موزون را غریزی است - و تعلم لغت عرب، کلید همه علم‌هاست، قدری از وی به نظم یاد کردیم تا بی‌تکلف یاد گیرند. و چند بیتی که ضابط بود مر هر چیزی را از علوم، به میان این قطعه‌ها در آوردیم تا به نبشتن و خواندن این نسخه، همه را رغبت افتد. و چون مجموع، دویست بیت آمد، او را «نصاب صبیان» نام کردیم. و بالله التوفیق و علیه التکلان [موفقیت به دست خدا و توکل بر اوست].»

۵. متن نخستین نصاب صبیان

نصاب صبیان به نظم است. سروده‌ها اغلب به سبک غزل‌اند؛ یعنی دو مصراع بیت اول آن‌ها و مصراع آخر هر بیت هم‌قافیه‌اند. سروده‌ها با وزن‌ها و قافیه‌های متنوع‌اند تا تنوع وزن و قافیه، هم مایه آشنایی کودک با اوزان مختلف عروض و قافیه‌های متعدد شود و هم کتابی متنوع‌تر و جذاب‌تر برای او بسازد. شمار ابیات آغازین هر سروده حداکثر ۱۱، به طور متوسط ۷-۱۰ و استثنائاً در یک مورد ۱۸ است (اگر افزایشی در آن صورت نیافته باشد). سروده‌های یک، دو و سه بیتی به صورت قطعه نیز در این اثر به چشم می‌خورد. شمار مجموع ابیات این کتاب در اصل، ۲۰۰ بوده است. عمده کتاب، آموزش لغات عربی

با ترجمه فارسی سره برای آن‌هاست. گاه یک، گاه دو، گاه سه و گاه بیشتر و حتی گاه نه - ده واژه عربی، با یک معادل فارسی آمده‌اند. تک و توک واژه‌های ترکی یا هندی را نیز می‌توان دید که در کنار معادل عربی خود، برابر نهادی فارسی دارند. (اگر ابیات حاوی این واژه‌ها افزایش نسل‌های بعد نباشند).

نام همسران و فرزندان و موالی پیامبر (ص)، نام سوره‌های مدنی، نام قلعه‌های خیبر، نام دردهای کشنده، نام ماه‌های رومی و ایرانی، نام منزلگاه‌های ستارگان، تعداد روزهای ماه‌های خورشیدی و وزن مخصوص فلزات، از دیگر اطلاعاتی‌اند که نسخه اصلی نصاب صبیان، در اختیار خوانندگان خود می‌گذاشته است.

هر سروده با عنوانی آغاز می‌شود که نام بحر (وزن شعر) را در خود دارد. البته، به درستی معلوم نیست که در نسخه آغازین، قطعات چگونه از یکدیگر تفکیک شده‌اند و آیا این عنوان‌ها در نسخه نخست بوده است یا نه؟

۶. افزایش‌ها و تحریف‌ها

نصاب صبیان، حدود هشت قرن، نخستین کتاب آموزش عربی، پس از قرآن کریم بوده و در این مدت، کودکان مسلمان ایران، افغانستان، ماوراءالنهر، هندوستان و ترکیه، آن را می‌خوانده‌اند. آموزش دهنده این کتاب به کودکان، اغلب، بزرگسالان بوده‌اند و هم آنان بارها و بارها، چه برای آموزش و چه برای محافظت از محفوظات و چه به منظور یادآوری و بهره‌گیری، آن را خوانده یا تکرار کرده‌اند. این کتاب، بارها و بارها برای شاهزادگان و مردم عادی استنساخ شده است.

این واقعیتی است که آثار پُرخوان، به مرور زمان، در قلم و زبان نسل‌ها صیقل می‌خورند، تغییر می‌یابند و کاهش و افزایش می‌پذیرند. عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز مایه تغییرهایی از نظر مسائل اعتقادی، در این متن‌ها می‌شوند و به آن کاهش، افزایش و دگرگونی می‌بخشند. ذوق و استعداد نگارندگان، آموزگاران و سراینده‌گان بعدی نیز پا به میدان می‌گذارند و کاربردهایی زیبایی‌شناسانه و کارکردهایی بیشتر برای اثر پدید می‌آورد. نیاز به آموزش‌های جدید و غنی‌سازی متن نیز متن‌های دیگر و مشابه را به متن مشهور پیوند می‌زند. بیسوادی‌ها، کم‌سوادی‌ها و اطلاعات ناقص زبان‌شناسی زمان‌ها و مکان‌های دیگر نیز مایه گونه‌هایی دیگر از تغییر می‌شوند. بدخوانی متن برای یک کاتب هم سبب می‌شود که او متن را به گونه‌ای که می‌پندارد، بنویسد و در نتیجه، نسخه او تفاوت‌هایی با نسخه قبلی داشته باشد. سهو و

خطا در نگارش‌ها نیز امری عادی است که کم‌تر نسخه‌ای از دستبرد آن مصون می‌ماند. حتی نام اثر ممکن است دستخوش تغییر شود.

در نتیجه، آن چه از یک اثر مشهور و متداول، پس از قرن‌ها به دست می‌آید، گاه عبارت است از بخش عمده - نه همه - متن اصلی مؤلف، به علاوه ذوق و تشخیص و مصلحت‌اندیشی و غنی‌سازی و متن آرایبی و اصلاح و تخریب و سهو و خطای نگارندگان و خوانندگان عصرها و نسل‌ها و سرزمین‌ها.

برای نمونه، دیوان حافظ که نمونه‌ای خوب برای این گونه متن‌هاست، در آغاز کم‌تر از ۳۹۰ غزل داشته اما به مرور، همین اثر دارای حدود ۶۰۰ غزل شده است. دیگر سروده‌ها از قطعه و رباعی و غیر آن‌ها نیز همین وضعیت را داشته‌اند. سروده‌هایی از شعری دیگر، به این دیوان پا نهاده است. سروده‌هایی به آن افزوده شده که معلوم نیست از کیست. در میان این سروده‌ها، غزلی مشهور در مدح امام رضا (ع) قرار دارد که در نسخه‌های کهن وجود ندارد و کاملاً معلوم است که از روی مصلحت آن را سروده و در این دیوان نهاده‌اند تا آن را از نابودی محفوظ دارند و حافظ را - که از شافعیان اهل سنت است - شیعه دوازده‌امامی معرفی کنند. در متن همه این سروده‌ها - چه از حافظ، چه غیر او - کلیه مواردی را که در ارتباط با تحریف و تغییر و کاهش و افزایش و آرایش و پیرایش گفتیم، می‌توان دید.

«نصاب صبیان» نیز همین سرنوشت را داشته است. اول از همه، نام کتاب است. مؤلف با ترکیبی فارسی، از دو کلمه متداول عربی در فارسی، عنوان «نصاب صبیان» را برای آن برگزیده است. این نام بعدها ترکیبی عربی یافته و به «نِصابُ الصَّبِیان» مشهور شده و به همین نحو مانده است. در خطبه مقدمه کتاب، افزایش‌هایی شامل مدح و ثنای رسول اکرم (ص) و اهل بیت عصمت و امیر مؤمنان صورت پذیرفته که مختص مناطق شیعه‌نشین است و احتمالاً اهل تسنن نیز کاهش‌ها و افزایش‌هایی در آن داشته‌اند. متن خطبه نیز از تغییرهای واژگانی و افزایش و کاهش و تغییر حروف اضافه و کلمات مستقل، مصون نمانده است؛ از تغییر «بیت» به «بیتی»، «نبشتن» به «نوشتن» و افزایش «پس» در متن و دیگر تغییرهایی که در مقایسه دو نسخه مستقل از این کتاب، می‌توان به دست آورد.

عنوان هر سروده نیز در نسخه‌های مختلف، متفاوت از نسخه دیگر است. از عنوان کوتاه که تنها نام بحر (وزن سروده) را دارد؛ مثلاً: «فی بحرِ التَّقارُبِ»، «فی بحرِ المُجْتَمَعِ»، «فی بحرِ

الرمّل» و امثال آن تا عنوان بلند برای همین سروده‌ها شامل: «الْقِطْعَةُ الْاُولَى فِي بَحْرِ الْمُتَقَارِبِ الْمُثْمَنِ الْمُقْصُورِ»، «الْقِطْعَةُ الثَّانِيَّة - فِي بَحْرِ الْمُجْتَثِ الْمُثْمَنِ الْمُخَبَّرِ الْمُقْصُورِ»، «الْقِطْعَةُ الثَّلَاثَةُ فِي بَحْرِ الرَّمْلِ الْمُثْمَنِ الْمُحْدَفِ» و امثال آن .

زمانی نیز در نسخه‌های نفیس، قبل از هر سروده، دو بیت به آغاز آن اضافه شده است که یک بیت آن اغلب تغزل و خطاب به یک معشوق است و بیت بعد، معرفی آن بحر و درخواست از معشوق برای خواندن سروده آتی. این نسخه نیز مینا قرار گرفته و نسخه‌های بعد، به تاسی از آن، دو بیت مزبور مربوط به هر سروده را نیز در متن آورده‌اند.

افزایش ابیاتی به هر سروده نیز دیده می‌شود به گونه‌ای که تعداد ابیات هر سروده را گاه تا دو برابر افزایش داده است. افزودن سروده‌هایی جدید به متن نصاب و افزایش قطعاتی برای بیان مسائل علمی دیگر به شعر و حتی وارد کردن سروده‌هایی آموزشی که در دیگر کتاب‌ها بوده به این کتاب، کار را به جایی رسانده است که شمار ابیات متن‌های نصاب صبیان - که در اصل ۲۰۰ (دویست) بوده است - طبق شمارش نگارنده، به ۶۵۶ برسد. شمار لغات آموزش داده شده در نصاب الصبیان را نیز یک هزار و سیصد و شصت و پنج لغت برآورد کرده‌اند که البته، شمار دقیق را باید پس از تصحیح علمی نصاب الصبیان و دستیابی به متن آغازین مشخص کرد. در متن سروده‌ها نیز اختلاف‌هایی - گرچه اندک - میان نسخه‌ها می‌توان دید که برخی از آن‌ها ناشی از عدم درک درست لغت یا معنی آن است؛ به ویژه این که زبان فارسی در طی زمان‌ها و مکان‌های مختلف ایران بزرگ، متفاوت بوده و مثلاً برخی واژه‌های رایج در سیستان را مردم غرب ایران نمی‌فهمیده‌اند. تفاوت‌های املائی نیز در برخی موارد به چشم می‌خورد.

به هر حال، آن‌چه به نام نصاب الصبیان در دست مردم سده‌های اخیر بوده و هست، آمیزه‌ای است از نصاب صبیان ابونصر فراهی، به علاوه ذوق و استعداد و افزایش و مصلحت اندیشی و مناسب سازی این کتاب از سوی مردم سده‌های پس از حیات مؤلف.

۷. در فضای متن نهایی

برای رفتن در فضای متن امروزی نصاب الصبیان، به نقل بخش‌هایی از برخی سروده‌های آن می‌پردازیم و در این میان، اضافات بر نسخه اصلی را در داخل قلاب مشخص می‌کنیم. پس از مقدمه و پس از عنوان سروده که در



سروده دوم، پس از عنوان سروده:

«[زهی به گلشن جان‌ها قد تو سرو روان
رخ تو بر فلک دلبری مه تابان
مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَلَاتُنْ
بگویی «مُجْتَثُ» این بحر را و خوش بر خوان :]
ضیاء: نور؛ و سنا: روشنی؛ افق چه؟: کران
فتی، خفیف: جوان، و سبک: ثقیل: گران
ذهب: زر است؛ و حدید: آهن؛ و رصاص:

آرزیز

لَجین: سیم؛ و زجاج: آبگینه؛ مَعین: کان»
(تا آخر سروده)

سروده سوم، پس از عنوان سروده:

«[ای ز باریکی میانت همچو مویی در کمر
غنچه از رشک دهانت می‌خورد خون جگر
فاعلاتنْ فاعلاتنْ فاعلاتنْ فاعلاتنْ
خیز از بحر رَمَلِ این قطعه را برخوان ز بر:]

بند قبل به آن اشاره داشتیم، چنین می‌خوانیم:

«[به بحر تقاربِ تَقَرُّبِ نَمای
بدین وزن میزان طبع آزمای
فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ فَعُولُنْ
چو گفتی، بگویی ای مه دلربای :]
اله است و الله و رحمن: خدای
دلیل است و هادی تو گو: رهنمای
[محمد: ستوده؛ امین: استوار
به قرآن ثنا گفت وی را خدای

صحابه‌ست: یاران؛ و آل: اهل بیت

که اسلام و دین شد از ایشان به پای]

سما: آسمان؛ ارض و غیرا: زمین

محل و مکان و معان است: جای

سَقَر: دوزخ و نار؛ آتش؛ ولی

چه جنت؟؛ بهشت؛ آخرت؟: آن سرای»

(تا آخر سروده)

جید: گردن؛ صدر: سینه؛ رُکبه: زانو؛ رأس: سر
 ثوب: جامه؛ رزق: روزی؛ زاد: توشه؛ باب: در
 عرش: سقف؛ و بیت: خانه؛ کُحل: سرمه؛
 رَمَل: ریگ
 حُسن: خوبی؛ فُیح: زشتی؛ جاف: خشک و
 رَطَب: تر»

(تا انتهای سروده)

سروده دهم، پس از عنوان سروده:

«مه موزون آفتاب لقا

وزن بحر خفیف جُست از ما:

فَعْلَائِن مَفَاعِلِن فَعْلَن

گفتم: این است بحرش ای زیبا!

من و عَن: از؛ اِلی و حَتّی: تا

اَین؟؛ کَو؟؛ کَیف؟؛ چَوْن؟؛ اَم و اَو: یا

فی: در است؛ و عَلی: بَر؛ و کَم؟؛ چَند؟

نَحْنُ، ناه، اَنناو اَنّا: ما

اَنّا، چَوْن اِنّنی و اِنّنی: من

ما؟؛ چَه؟؛ و مَن؟؛ کَه؟؛ تُم؛ پَس؛ مَع: با

اَنّتم و کَم؛ شَمّا؛ وَا: این مرد

انت: تو؛ انت: زن - ولی تنها»

(تا انتهای سروده)

بیتی از سروده سیزدهم:

غَضَنَفَر و اَسَد و لَیث و دِلهاث

هَیْزِر و قَسورَه و حَیدر است و ضَیغَم: شیر

(۱۰ نام برای حیوان درنده معروف).

همه سروده بیست و دوم درباره ماه‌های

ایرانی، پس از عنوان آن:

«[صبا چون از گل رویت نقاب ابر بگشاید

نهران گردد مه، مهر از خجالت، روی ننماید

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

چو تقطیع این چنین کردی، عروضی گویمت

شاید

(نسخه دیگر: هَزَج این گفت و ماه فُرس را

این نام فرماید:)]

ز فروردین چو بگذشتی مه اردیبهشت آید

بمان خرداد و تیر آن‌گه که مردادت همی آید

(نسخه‌های دیگر: ... مردادت همی باید/

مردادت بیفزاید)

پس از شهریور و مهر و آبان و آذر و دی دان

که بر بهمن جز اسفند ار مد ماهی نیفزاید.

دو مورد از سروده‌های الحاقی (آموزش

صنایع شعری لَف و نشر مرتب و لَف و نشر

مشوَش):

۱) «لَف و نَشْر مَرْتَب اَن را دان

که دو لفظ آورند و دو معنی

لفظ اول به معنی اول

لفظ ثانی به معنی ثانی.» [

۲) «لَف و نَشْر مَشوَش اَن را دان

که دو لفظ آورند و دو معنی

لفظ ثانی به معنی اول

لفظ اول به معنی ثانی.» [

سروده‌ای الحاقی درباره حروف مخصوص

به عرب:

«هشت حرف است آن که اندر فارسی ناید

همی

تا نیاموزی، نباشی اندر این معنی معاف

بشنو اکنون تا کدام است آن حروف و یادگیر:

ثا و حا و صاد و ضاد و طا و ظا و عین و

قاف.» [

این فرمول نیز از کتاب‌های خوشنویسی، به

نصاب الصببان راه یافته و دستور ساختن مرکب از

کم‌ترین مواد ممکن و نسبت هریک از مواد

است:

[همسنگ دوده، زاج است؛ همسنگ هر دو

مازو

همسنگ هر سه صمغ است، آن‌گاه زور

بازو.]

(یعنی دوده، زاج، مازو و صمغ به ترتیب به

نسبت ۱، ۲، ۴ باید در این مرکب به کار روند و

سپس به خوبی در یکدیگر ساییده و هم‌زده

شوند.)

۸. کارکردها و مخاطبان نصاب الصببان

ملاحظه می‌شود که اثری مانند نصاب

صببان، پس از تألیف دیگر متعلق به مؤلف آن

نیست و به صورت متنی درسی در می‌آید که

نیازهای زمان‌ها، مخاطبان گوناگون و مؤلفان

سده‌های بعد نیز در آن دخالت می‌کنند و آن را به

گونه یک تألیف جمعی برای یک نیاز فرازمانی

سامان می‌دهند.

نصاب صببان که در آغاز آموزش برخی

لغات عربی، تألیف یا بهتر بگوییم سروده شد، به

مرور زمان، به صورت کتابی درآمده است به نام

نصاب الصببان، با حجمی چند برابر حجم آغازین

که چند برابر لغات آغازین را می‌آموزد؛ آموزه‌هایی

ادبی، علمی، پزشکی، نجومی، تاریخی، جغرافیایی،

هنری و غیر آن‌ها را در بردارد؛ عناوین مطالب آن

دقیق‌تر شده است و حتی خواننده کودک خود را با

تغزل و شاعرانگی آشنا می‌سازد.

اعراب‌گذاری، تحشیه، شرح و دیگر آرایه‌ها و

اطلاعاتی که بر این کتاب افزوده شده، نمایانگر

جدی بودن و جدی گرفتن این کتاب توسط

بزرگسالان است؛ به گونه‌ای که مخاطبان این اثر،

دیگر نه تنها کودکان که هر یک از بزرگسالانی

هستند که بخواهند واژگان عربی را سریع‌تر

بیاموزند.

این نکته روان‌شناختی، احساسی و عاطفی را

نیز نباید نادیده گرفت که اگر شما در کودکی

نصاب الصببان را خوانده و آن را در حافظه داشته

باشید، در سنین بعد، بسیاری از مشکلات درک

متون عربی و مسائل دیگر برای شما حل‌شده

خواهد بود. در نتیجه، همواره احساس خوبی

نسبت به این کتاب، در سالیان بعد و طول زندگی

علمی و ادبی خود خواهید داشت. بنابراین،

کوشش خواهید کرد که این دستاورد ارزشمند و

تجربه شیرین را به فرزندان و شاگردان خود نیز

منتقل کنید. این نیز مایه آن خواهد شد که هر

خدمتی از دست شما برمی‌آید، برای این کتاب

انجام دهید؛ از تصحیح و حاشیه‌نویسی و توضیح

و احیا و شرح و افزودن ملحقاتی آموزشی به

کتاب، تا صرف وقت و هزینه برای آموزش و

تکثیر و ترویج آن.

به همین سبب، می‌بینیم که نصاب الصببان،

کتابی است با مخاطب عام که از خردسال تا

سالمند را نشانه می‌رود و برای همه قابل استفاده

است؛ گرچه به هر حال به عنوان متنی کهن، شاید

برخی بخش‌های آن یا شیوه چاپ و تکثیر و ارائه

آن، ما را به زمان‌های پیش ببرد.

برابرنهادهای پارسی سره و اصیل، برای

واژه‌های عربی در نصاب الصببان نیز یکی دیگر

از فواید واژه‌شناختی، معناپژوهی و ملی‌گرایی

است که این کتاب به مخاطب می‌بخشد.

دکتر محمدجواد مشکور، در مقدمه نصاب

الصببان، به تصحیح و اعراب‌گذاری خویش (ص

و) آورده است: «امروزه این منظومه، علاوه بر

اشتمال لغت عربی، از نظر گرد آمدن مجموعه‌ای

از لغات قدیم و اصیل فارسی، برای ما

پارسی‌زبانان نهایت اهمیت را دارد. چه بسا

لغات‌های پارسی در این کتاب یافت می‌شود که در

فرهنگ‌های قدیم، از آن‌ها ذکری نرفته است.»

۹. نگرش‌های پشت یک اثر

فلسفه تدوین و مجموعه نگرش‌های تربیتی

را که در پشت اثری مانند نصاب صببان و شکل

بعدی آن، نصاب الصببان، در ذهن گذشتگان ما

بوده است، شاید بتوان در بندهای زیر مطرح

ساخت:

۱. کودکان ما برای درک بهتر زبان خود - که

آمیزه‌ای از عربی و فارسی است - و فهم بهتر

متون فارسی و عربی، به ویژه آثار ادبی و علمی

گذشتگان و نگارش‌های دینی و کتاب آسمانی،

باید زبان عربی بیاموزند.

۲. باید در آموزش، از شیوه‌هایی بهره گرفت

که به یادگیری سریع‌تر کمک کنند.

۳. شعر و نظم و سخن آهنگین، یکی از

راه‌های فراگیری سریع‌تر است.

۴. تنوع وزن و قافیه، هم مایه کاهش ملال

و هم مایه فراگیری سریع‌تر است.

۵. تنوع وزن و قافیه در متون آموزش

منظوم، به آموزش غیر مستقیم شعر و شاعری نیز کمک می‌کند.

۶. کوتاهی سروده‌ها مایه یادگیری سریع‌تر، رغبت بیشتر و شادی افزون‌تر فراگیران خواهد شد.

۷. درج سروده‌های کوتاه علمی در میان سروده‌های بلندتر لغوی، مایه تنوع بیشتر متن، افزایش کارکردهای متن و شکستن یکنواختی موضوعی متن خواهد بود.

۸. هیچ اشکالی وجود ندارد که کودک، غزل و غزلسرایی و تغزل را بداند و عشق ورزیدن و عاشق شدن، ادب گفت‌وگو با معشوق، نکات زیبایی شناختی وجود آدمی، زیبایی‌های طبیعت، تشبیه و استعاره و تمثیل و توصیف و سرانجام، تفاوت شعر و نظم را بیاموزد.

۱۰. شرح و تقلید نصاب الصبیان

نصاب الصبیان، دارای حاشیه‌ها و شرح‌هایی است که فهرست آن‌ها را در مجموعه‌های کتاب شناختی و فهرست‌های نسخ خطی می‌توان دید. برخی از این شرح‌ها، نام‌هایی مستقل دارند.

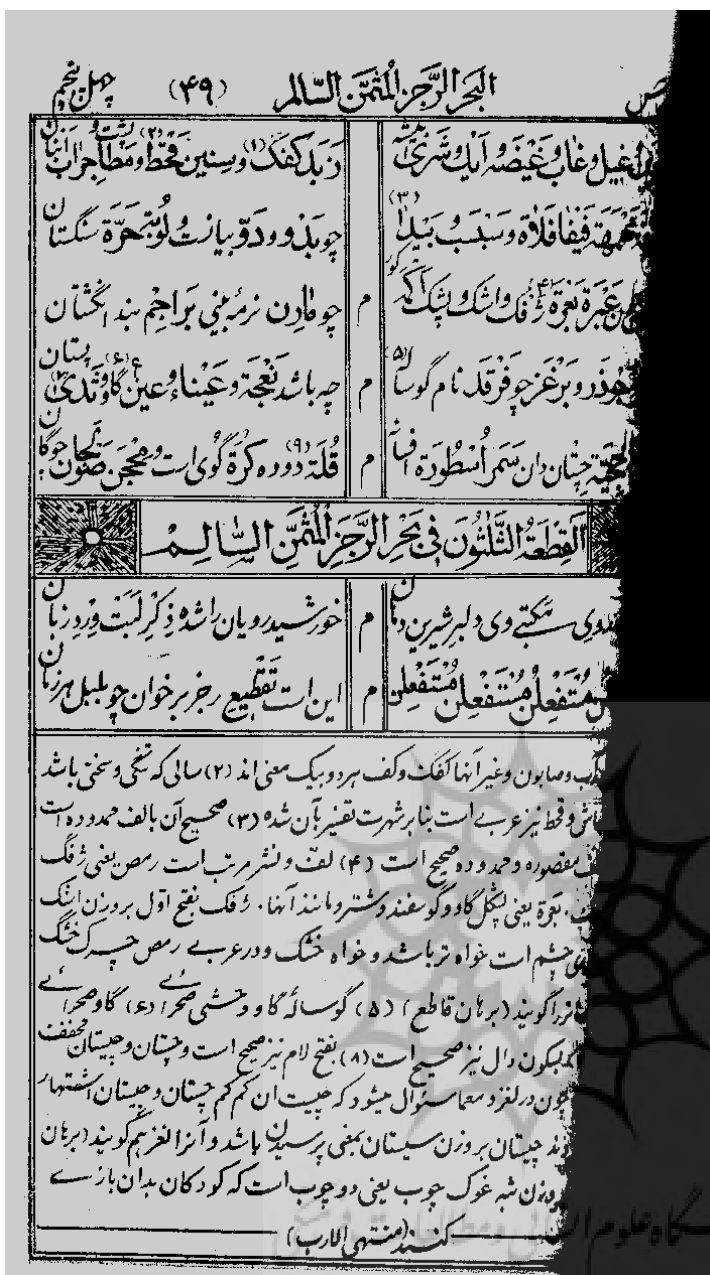
تقلید از نصاب الصبیان، به گونه‌های مختلف نیز رواج داشته و بیش از سی منظومه، در تقلید از آن به زبان‌های عربی و فارسی، زبان‌های بیگانه به فارسی و نیز لهجه‌های دیگر فارسی دری سروده‌اند. (نگاه کنید به: دکتر محمدجواد مشکور؛ مقدمه و ملحقات و فهرس لغات و تصحیح و تعریب نصاب الصبیان؛ ص ۲؛ به نقل از لغتنامه دهخدا، ش ۴۰، ص ۲۹۲-۲۹۸، مقاله آقای علی‌نقی منزوی، درباره فرهنگ‌های عربی به فارسی).

۱۱. نسخه‌ها و چاپ‌ها

هم اکنون که این متن را می‌نویسم، دو نسخه چاپ سنگی و دو نسخه چاپ جدید - یکی به خط نستعلیق و دیگری به صورت حروفی - از نصاب الصبیان رو به روی من است که سه تایی آن‌ها در حاشیه و داخل فواصل بین خطوط متن یا در پانوش، دارای حواشی، شرح‌ها و توضیحاتی هستند.

نسخه‌های مختلف خطی و چاپ سنگی، از نصاب الصبیان بسیار است و نگارنده، نه در پی گردآوری فهرست آن‌ها بود و نه در این نوشتار قصد ارائه فهرستی از آن‌ها دارد. تنها معرفی دو نسخه چاپ شده از این کتاب را به سبب برخی ویژگی‌ها، برای مراجعان به متن این اثر، مفید می‌داند:

۱. «خودآموز نصاب یا کلیات نصاب الصبیان ابونصر فراهی؛ دارای ۲۲۰ بیت اشعار به انضمام چندین بیت اشعار ملحقه؛ با شرح فارسی و اعراب



بسیاری از دانش‌آموختگان حوزه علمیه فقهی، فلسفی و ادبی تهران است.

یک صفحه و نیم این کتاب، تقریظ آیت‌الله شعرانی و مقدمه مصحح و شارح است. آیت‌الله شعرانی، در بخشی از این مقدمه آورده است: «نصاب الصبیان] به سبب کثرت تداول، تصرف ناسخان، بسیار در آن راه یافته و زیاده و نقصان، در آن بسیار کرده‌اند، چنان که هیچ یک از نسخ مطبوعه، از تحريفات خالی نیست. لذا جناب ادیب فاضل آقای حسن‌زاده آملی که در بسیاری از علوم زحمت کشیده و مدت‌ها نزد این بنده ناچیز به تحصیل پرداخته، به اصرار و ترغیب حقیر، در نسخ آن تجدید نظر کامل نمود و همه لغات فارسی و عربی آن را از مدارک معتبره آن - مانند قاموس و منتهی الارب و کنز اللغة و سامی و صحاح و برهان قاطع و جامع و غیر آن‌ها تصحیح

کلمات مشکله؛ به قلم آقای حسن‌زاده آملی؛ تحت نظر آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرانی؛ به دستور آقای حاج سید احمد کتابچی مدیر کتابفروشی اسلامیة؛ تهران؛ خیابان بوذرجمهری؛ گراور و در چاپخانه اسلامیة طبع گردید؛ حق طبع و تقلید و عکسبرداری و نقل هر گونه ذیل و حواشی محفوظ و مخصوص است به کتابفروشی اسلامیة؛ محرم الحرام ۱۳۱۴»

همه آن چه را خواندید، روی جلد یکی از چاپ‌های قابل استفاده نصاب الصبیان خواهید دید که حدود ۱۳۳۳ خورشیدی (حدود نیم قرن پیش)، به قلم طلبه‌ای فاضل که امروزه او را به نام آیت‌الله حسن‌زاده آملی می‌شناسیم، تصحیح و توضیح یافته است. شادروان آیت‌الله حاج میرزا ابوالحسن شعرانی نیز چهره‌ای نامدار و دانشمند و دقیق در میان علمای قرن اخیر ایران و استاد

و مُعَرَّب ساختن چنان که هیچ کلمه بدون اطمینان به صحت آن ضبط نگردد. و نیز آن چه از اشعار مرتبط با علم نجوم و قرائت و سیره نبویه بود، از کتب معتبره فن مانند زیج بهادرخانی و اِتقان و مجمع البیان و غیر آن تصحیح کرد و هر یک را که احتیاج به توضیح داشت، در ذیل صفحات، توضیح داد. و چون ملاحظه شد که در نسخ مطبوعه، بسیاری از اشعار اصلی کتاب را عمداً یا سهواً حذف کرده‌اند، سعی شد تا همه اشعار اصلی ثبت افتد و از اشعار الحاقی که متعلمان را مفید بود نیز با علامت مشخصه (م) نوشته گردید تا از همه جهت این نسخه سودمند باشد».

در این نسخه تصحیح شده و شرح یافته از نصاب الصبیان - جز برخی اشکال‌های نگارشی کاتب - اشکال‌هایی می‌توان دید؛ از جمله در برخی اوزان عروضی و طرز نگارش آن‌ها (مثلاً در ص ۳۵، به جای مفعول مفاعیلن مفاعیلن فاع، آمده است: مفعولن مفاعیلن مفاعیل فاع و در ص ۳۴: مفعولن مفاعیلن مفاعیلن فاع) که مایه ایجاد اشکال در وزن است. مقدمه این نسخه نیز مانند بسیاری از نسخه‌های تحریف‌شده، حاکی از این است که این کتاب دویست و بیست بیت دارد.

اما یکی، ارائه متن تصحیح شده و شروع ارزشمند آن، دیگر تعیین ابیات الحاقی و سوم نگارش واژه‌های معنی شده با قلم نسخ و معانی و پانوش‌ها با نستعلیق، آن را قابل استفاده بسیار می‌سازد.

۲. «نصاب الصبیان، تصنیف ابونصر فراهی، با مقدمه و ملحقات و فهراس لغات و تصحیح و تعریب، به اهتمام دکتر محمدجواد مشکور»

این، نوشته جلد نسخه‌ای دیگر از نصاب الصبیان است که توسط انتشارات اشرفی، به چاپ‌های متعدد رسیده است. شادروان دکتر محمدجواد مشکور، در انتهای مقدمه بلند خود بر این کتاب که آن را در شهریور ۱۳۴۹ شمسی نگاشته، آورده است: «این کتاب بر اساس نصاب طبع برلین است که مصحح بنا به خواهش آقای ابوالقاسم اشرفی، مدیر انتشارات اشرفی، آن طبع را که دارای اغلاط چاپی و سهوی فراوان بود، از روی بعضی از نسخ قدیم نصاب، با دقت تصحیح کرد و چون آن چاپ مُعَرَّب نبود، آن را با مراجعه به فرهنگ‌های عربی، مُشکول [= اعراب‌گذاری] نمود و زیر و زبر گذاشت تا قرائت آن بر طلاب علم لغت عرب آسان باشد. نیز چون بعضی از ابیات را طبع برلین فاقد بود، ابیات اضافی را از دیگر کتب نصاب استخراج نمود و به صورت ملحقات، به دنبال آن بیفزود. برای آن که این کتاب، مورد استفاده لغت‌شناسان نیز قرار گیرد، فهرستی از کلیه لغات عربی متن با معانی آن‌ها و

نیز فهرستی از همه لغات فارسی، با ذکر صفحه و شماره سطر، به آخر کتاب الحاق کرد تا هم اطفال دبستان و هم اصحاب ادبستان را به کار آید.»

این تصحیح، به دلیل اعراب‌گذاری و این که مجموعه اشعار الحاقی به نصاب صبیان را نیز گرد آورده است و همچنین به سبب فهرست مطالب، به ویژه فهرست لغات فارسی و عربی آن که حدود یک‌صد صفحه کتاب را در برمی‌گیرد و نیز به واسطه مقدمه ده صفحه‌ای آن که حاوی اطلاعاتی بسیار درباره اثر و پدیدآورنده آن است، یکی از چاپ‌های ارزشمند نصاب الصبیان به شمار می‌آید. (در نگارش سرگذشت ابونصر فراهی، از مقدمه این کتاب، بیشترین استفاده برای نوشتار حاضر شده است).

۱۲. نسل‌ها و نیازها

آسان‌سازی فراگیری کودک و بزرگسال از طریق شعر و تلخیص و اختصارگرایی، پیشینه دراز در فرهنگ ما دارد. در فرهنگ آموزش سنتی ما، نصاب صبیان، نخستین سروده آموزشی است که کودک با آن روبه‌روست و با آن لغت و برخی چیزهای دیگر می‌آموزد. در «جامع المقدمات» که نخستین متن آموزشی صرف و نحو عربی است، کتابی به نام «عوامل منظومه» وجود دارد که عوامل نحو (تأثیرگذار در اعراب کلمات) را به شعر بیان می‌کند. برای مثال، فراگیران وقتی ۱۷ (هفده) حرف جر را در یک بیت می‌خوانند، آن را هیچ‌گاه از یاد نخواهند برد:

«با و تا و کاف و لام و واو و مُنذ و مُد، خلا رب، حاشا، من، عدا، فی، عن، علی، حتی‌الی» منظومه بعدی، «الفیه»ی ابن مالک است که نحو عربی را به شعر عربی می‌آموزد. منظومه‌هایی در فقه و علم رجال و علوم دیگر نیز داریم که البته، خواندن آن‌ها اجباری نیست. برای نمونه، منظومه‌های منطق و فلسفه، سروده حاج ملاهادی سبزواری، از مشهورترین، زیباترین و به یاد ماندنی‌ترین آثار نگارش یافته در علوم عقلی‌اند. در هنرها نیز منظومه‌هایی داریم. همین شیوه را بسیاری از آموزگاران، دانشمندان یا شاگردان با ذوق، برای فراگیری علوم جدید و قدیم به کار گرفته‌اند. مثلاً این شعر در یک بیت، عدد پی را تا ۱۰ رقم اعشاری، به شما نشان می‌دهد؛ به شرط آن که به تعداد حروف هر کلمه آن، عدد بگذارید:

گر ز قدر عدد پی بکنند از تو سؤال پاسخی ده که خردمند تو را آموزد:

خرد و بینش و آگاهی دانشمندان ره سرمنزل توفیق بما آموزد.

خرد (۳)، و (۱)، بینش (۴)، و (۱)، آگاهی (۵)، دانشمندان (۹)، ره (۲)، سرمنزل (۶)،

توفیق (۵)، بما (۳)، آموزد (۵)

عدد پی = ۳/۱۴۱۵۹۲۶۵۳۵

منظومه‌هایی برای آموزش زبان‌های فرانسه یا ترکی به فارسی هم موجود است.

در تلخیص و اختصارگرایی برای به خاطر سپاری بیشتر، البته کم‌تر کارکرده‌ایم، ولی نمونه‌هایی از آن‌ها را در علوم و معارف گوناگون، از گذشته دور سراغ داریم. گردآوری حروف مقطعه قرآن، در عبارت یا جمله با معنی «صراطُ علیِّ حقُّ مُسبِّکهُ» در علوم قرآن، تشکیل کلمه «وای» از حروف عله در علم صرف، اختصارهایی در بخش قیاس‌ها و قضایای منطق و گردآوری حروف اول عناوین علوم غریبه، در جمله کوتاه «کله سِر» (به معنی: همه آن‌ها راز و رمز است) (کیمیا، لیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا) تنها نمونه‌های اندکی از این اختصارها هستند.

بهره‌گیری از معادل ابجدی اعداد و حروف نیز روشی برای به خاطر سپاری تاریخ‌ها بوده است. «ماده تاریخ» یکی از این کار برده‌است. برای نمونه، اگر اعداد ابجدی حروف دو کلمه «جامع بحارالانوار» را با یکدیگر جمع کنید، به عدد ۱۰۳۷ می‌رسید که سال تولد ملامحمد باقر مجلسی، گردآورنده بحارالانوار است. در شعر زیر، تاریخ تولد، سال پایان تحصیلات و تاریخ درگذشت ابوعلی سینا، با جمع حروف سه کلمه بی‌معنی اما به یاد ماندنی، در خاطر می‌ماند:

حجت الحق ابوعلی سینا

در «شَجَع» آمد از عدم به وجود

در «شَصَا» کرد کسب جمله علوم

در «تَكَز» کرد این جهان بدرود.

شجع = ۳۷۳، شصا = ۳۹۱، تکز = ۴۲۷ هـ. ق. امروزه خارجی‌ها در اختصارگرایی، برای آموزش علوم و فنون، از ما پیش افتاده‌اند. فرمول‌های SQ۳R را برای یادگیری یک متن و فرمول CAR را برای ویژگی‌های یک نوشته، از این نمونه‌ها می‌توان دانست که از حرف اول دستورالعمل‌ها تشکیل شده‌اند.

پیش از این که به اندازه زمان حاضر، امکان‌های تصویرگری و مدلسازی نداشته‌ایم نیز نمونه‌هایی از تجسم مفاهیم انتزاعی، در قالب تصویر و نمودار سراغ داریم.

همه این‌ها در کنار هم، نمایانگر بینش و نظریه قدما در آموزش‌اند: بهره‌گیری از هر گونه ابزار ممکن، برای فراگیری آسان‌تر و سریع‌تر. نصاب صبیان یا نصاب الصبیان، تنها یک نمونه - اما بارز - از کوشش‌های گذشتگان ما در این جهت است؛ کوششی که می‌تواند در این زمان نیز مورد توجه خاص قرار گیرد.